

از جدیدترین آهنگهایی که امروزه در سالنها نواخته می شود تا نواهای بدوی و ساده ی ضربات طبل که اجداد و پیشینیان در نقطه ای از فلات دور افتاده و فراموش شده آسیای مرکزی به پای آنها جست و خیز می کردند ، موسیقی پیوسته یا ضرب پاهایی که در حال رقص بوده اند همراه بوده است قبایل بدوی آفریقا که در موسیقی آنان از آنچه ماملودی می نامیم نشانی دیده نمی شود، به کمک طبل ، نواهایی می نوازند و به پای آن نوا به وضع جالب و مهیجی می رقصند . همچنانکه آن قهرمان افسانه ای اساطیر

موسیقی سر تعظیم فرود آورده اند . لازم است از یک پزشک ، از یک زیست شناس یا از یک متخصص بیماریهای روانی پرسیده شود که چرا همه ی ما بی اختیار در برابر ضرب یک آهنگ از خود عکس العملی نشان می دهیم؟ شاید علت این موضوع بسیار ساده باشد و با عمل بیولوژیکی بسیار ساده ای که عبارت از ضربان منظم قلب ما است ارتباط داشته باشد . به هر حال موسیقی رقص یک فرم هنر موسیقی است و هر کسی که چند صباحی در این دنیا زیسته ، با آن آشنایی پیدا کرده و از آن لذت برده

رقص و موسیقی

رضا طاهری



یونانی هر بار که می خواست نیرویش را تجدید کند به زمین می آمد و پا بر سر آن می نهاد ، آهنگسازان بزرگ و برجسته نیز هر چند یک بار به سوی رقص روی می آوردند تا از نیروی انگیزش آن ، از اشکال متنوع ضربهای آن و قوه تحرك پایان ناپذیر آن برای قویتر ساختن آثار خود مدد گیرند .
 بتهوون (L.V.BEETHOVEN) ، باخ (J.S.BACH) ،
 برامس (J.BRAHMS) ، موزار (W.A.MOZART) ،
 وچایکوفسکی (P.TCHIKOVSKY) ، همه این آهنگسازان بزرگ در برابر رقص ، یا این جدیدترین و کهنترین فرم

است ، زیرا که قدمت هنر رقص به قدمت پیدایش انسان بر روی کره ی خاک می رسد و شاید هم از آن زودتر پدید آمده باشد . در اینجا برای آشنایی بیشتر به توضیح نمونه هایی از رقصها می پردازیم .

منوئه یا منوئه تریو Minuet or Minuet and Trio منوعه از نوعی رقص گرفته شده است که برای نخستین بار حدود سالهای ۱۶۵۰ در دربار لویی چهاردهم ، پادشاه فرانسه پدیدار شد و در سده ی هجدهم

رقصی اشرافی بود. نمونه رقصی با وقار و مجلل بود که در آن زوج رقصنده به ادای حرکت‌هایی منظم و احترام‌آمیز برابر یکدیگر می‌پرداختند. فرم نمونه فقط رقص مرسوم و مورد علاقه‌ی دربارهای مجلل و پرشکوه قرن ۱۸ نبود و این فرم در دست آهنگسازان بزرگ نسلهای بعد وسیله‌ی مطبوع و دلپذیری جهت بیان احساسات شاد و فرح‌انگیز آنان گردید.

فرم نمونه دوران طولانی و همراه با تحولات جالبی را پیموده است. مدتها به عنوان رقص محبوب، وسیله

تریو به دوران باروک باز می‌گردد که در آن پس از هر رقص پیاپی، رقص اول بار دیگر تکرار می‌شد. در این مجموعه رقص دوم با عنوان «تریو» شناخته می‌شد، چرا که اغلب بوسیله سه ساز به اجرا در می‌آمد. البته آهنگسازان کلاسیک در ساختن بخش (B) در نمونه‌ها خود را به ساز محدود نکرده‌اند ولی همچنان نام تریو بر این بخش باقی ماند.

کل یک موومان نمونه می‌تواند با طرح زیر نشان داده شود:



منوئه A تریو B منوئه A
aba (تکرار) dc (تکرار) c (تکرار) ba (تکرار) a

موومان نمونه با فرم ABA و تکرارهای فراوانی که در بردارد، از نظر ساختاری ساده‌ترین موومان یک سمفونی یا کوارتت زهی است.

در زمانی که موزار سمفونی در «می بمل» خود را تصنیف می‌کرد در موومان سوم آن فرم نمونه را بکار می‌برد که این رقص از جانب رقص شورانگیز و مورد توجه

سرگرمی و انبساط خاطر کسانی بوده است که به آهنگ آن می‌رقصیدند. موومانی به فرم نمونه در سمفونی یا کوارتت زهی نه برای رقص که برای شنیدن ساخته شده است. این موومان دارای وزن سه‌تایی^۳ است و به‌طور معمولی تمپویی معتدل دارد. چنین موومانی دارای فرم ABA است. منوئه (A) - تریو (B) - منوئه (A). بخش تریو (B) آرام‌تر از بخش منوئه (A) است و در اجرای آن سازهای کمتری به کار می‌رود. این بخش اغلب در بردارنده‌ی چند تک‌ساز بادی چوبی است. نام‌گذاری این بخش به عنوان

صادر شد و طی آن رقص مزبور «برای سلامتی زبان آور و از نظر اخلاقی بسیار خطرناک و اغوا کننده» اعلام گردید. ولی بتدریج والس جای خود را باز کرد و در مجامع و سالن های اشراف محافظه کار نیز راه یافت تا آنکه سرانجام به سال ۱۸۱۶ الکساندر دوم، تزار روسیه در یک مجلس میهمانی عمومی والس رقصید و این موضوع در مجامع مختلف به عنوان مقبولیت قطعی والس تلقی گردید. پایه پای این ماجراها ضربهای ساده روستایی که اصل ریشه والس را تشکیل می داد در دست آهنگسازان

دیگری که در روستاهای اطراف شهر وین مرسوم و معمول بود مورد تهدید قرار گرفت. صدها سال بود که روستائیان اتریشی به رقص مهیج و پرنشاط سه ضربی که «لندلر» نامیده می شد دل بسته بودند. در اواسط قرن هجدهم این رقص تا بدان پایه آراسته و منزّه شده بود که توانست در شهرهای پراگ و وین نفوذ کند. در شهر اخیر بود که این فرم به «الس» (Valse) تغییر یافت.

نمونه «۱»



نامداری نظیر موزار، بهوون و شوپرت هر روز به صورتی جالبتر و متنوع تر در می آمد، تا آنجا که والس های اشتراوس به اوج زیبایی و جلال و دلفریبی خود رسید. با وجود آن که خود رقص آرامتر و نرمتر گردید، آهنگ آن روز به روز غنی تر و پرمایه تر می شود پس از آنکه مقبولیت آن در شهر وین تثبیت گردید به سراسر عالم راه یافت و همه جا را با جلال و فریبندگی خود تسخیر کرد و بدین ترتیب والس در سمفونی ها، پوئم سمفونیکها و اپراها نیز راه یافت.

شاید والس تنها رقصی باشد که هم موسیقی عامیانه و هم موسیقی عالمانه در گستره ی آن هنر نمایی کرده اند. والس می تواند زمینه ای برای یک قطعه ی موسیقی ساده و معمولی باشد یا قطعه ای بسیار لطیف و پراحساس و حتی می تواند در بیان اندیشه ای معقول و منطقی در دنیای موسیقی به کار برود.

مردم این رقص نو ظهور و عنان گسیخته و وحشی را در آغاز با وحشت و انزجار تلقی می کردند. در شهر پراگ از طرف دربار سلطنتی، فرمانی به تاریخ ۱۸ مارس ۱۷۵۸

WALZER

The first system of the waltz consists of two staves. The treble staff begins with a piano (*p*) dynamic marking and contains a melodic line with eighth and sixteenth notes. The bass staff provides a harmonic accompaniment with chords and moving bass lines. The key signature is one sharp (F#) and the time signature is 3/4.

The second system continues the waltz melody and accompaniment. It features similar rhythmic patterns and harmonic structures as the first system, maintaining the piano (*p*) dynamic.

The third system of the waltz shows the continuation of the piece. The melodic line in the treble staff remains the primary focus, supported by the bass staff accompaniment.

The fourth system of the waltz includes a watermark in the center of the page that reads "پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی" (Research Institute of Humanities and Cultural Studies) and "سال چهارم علوم انسانی" (Year 4 of Humanities). The musical notation continues with the same style as the previous systems.

The fifth system of the waltz continues the piece. The treble staff features a melodic line with some grace notes, while the bass staff provides a steady accompaniment.

The sixth and final system of the waltz concludes the piece. It includes first and second endings, marked with "1." and "2." above the staff. The first ending leads back to an earlier part of the piece, while the second ending provides a final resolution. The piece ends with a piano (*p*) dynamic marking.

شهرت یافتند. پولونز رقص دربار می شود، مازورکا با آن که پیچیدگیها و ریزه کاری های بسیار دارد در میان مردم جای خود را باز کرد.

در قرن هجدهم، خصوصاً در اوج رومانتی سیم رقصهای دیگر مانند پولونز و مازورکا که هر دو اصل و ریشه ی لهستانی داشتند در سراسر اروپا محبوبیت و

Mazurka

Frédéric Chopin Op.6 Nr.1

(Allegretto grazioso)

خصوصاً به ریتم رقصهای جدید توجه داشت، در این محدوده تانگو را برای پیانو در سال ۱۹۴۰ نوشت که این آهنگ در سال ۱۹۵۳ برای ازکستر نیز تنظیم شد.

■ منابع:

- The concise Oxford Dictionary of Music by Roger Kamien
- ترجمه حسین یاسینی (درک و دریافت موسیقی)
- Adventures in Symphonic Music by Edward Dawnes
- ترجمه علی اصغر بهرام بیگی (موسیقی سمفونیک)

در قرن نوزدهم و ابتدای قرن بیستم در آن سوی اقیانوس، رقصهای جدیدی به شکوفایی رسیدند. در ایالات متحده امریکا که جایگاه اقوام و ملل متحد بود، فرم های جدیدی مانند فوکس ابداع شد و در امریکای لاتین نیز رقصهایی مانند تانگو ظهور کردند. بعضی از آهنگسازان قرن بیستم از رقصهای جدید در تحول رنگ آمیزی آثارشان بهره گرفته اند. استراوینسکی،

Menuetto

TRIO

Adagio dolce

Menuetto DC.

The image shows a musical score for a Minuet. It is divided into two main sections: the first is labeled 'Menuetto' and the second is labeled 'TRIO'. The 'TRIO' section begins with the instruction 'Adagio dolce'. The score is written for piano and includes various musical notations such as notes, rests, and dynamic markings like 'pizz.' and 'arco.'. The piece concludes with the instruction 'Menuetto DC.'.